

سلام کودکانه

نقاشی قشنگ

امروز خانم همسایه، از مامان خوااهش کرد یک ساعتی که بیرون کار داره، دخترش نرگس خونه ما بمونه. نرگس چهار سالشه، وقتی دید من دارم نقاشی می‌کشم با خوشحالی جلو اومد و از من خواست بهش کاغذ بدم تا اون هم نقاشی بکشه. من هم یک کاغذ سفید بهش دادم. اونم شروع به نقاشی کشیدن کرد. بعدش هم با هیجان گفت: ببین چه نقاشی قشنگی کشیدم! راستش من فقط یک کاغذ سفید دیدم که پر از خط خطی‌های آبی بود، اما نمی‌خواستم نرگس رو ناراحت کنم. پرسیدم: چی کشیدی؟ نرگس با خوشحالی جواب داد: «بارون، بارون کشیدم.» با دقت به نقاشی نرگس نگاه کردم. واقعا بارون قشنگی کشیده بود. تازه من به نرگس یاد دادم چیزهای دیگه مثل ابر و خورشید هم نقاشی کنه. نرگس خیلی خوشحال شد.

ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و...

📞 ۰۹۳۵۴۳۹۱۴۵۷۶ 📧 ۲۰۰۰۹۹۹



شهر قصه

رنگی رنگی

صبح از راه رسیده بود. آقای باد، آرام در شاخ و برگ‌های درخت انجیر وسط حیاط چرخید. هوهو هوهو صدا کرد. ها ها ها خندید. با صدای خنده باد «سبزینه»، برگ سبز کوچولویی که نوک شاخه درخت بود، بیدار شد و گفت: سلام.

درخت، باد و برگ‌های دیگر جواب سلامش را دادند. سبزینه، سرش رو بالا گرفت و به برگ‌های دیگر نگاه کرد و زد زیر خنده. برگ‌ها به همدیگه نگاه کردند و پرسیدند: «به چی می‌خنده؟» درخت گفت: «چی شده سبزینه؟ به چی می‌خندی؟ بگو ما هم بخندیم»

سبزینه می‌خواست چیزی بگوید اما نتوانست. باز هم خندید. وقتی بالاخره آرام گرفت، گفت: «ببینید دامن همه‌تون رنگی شده.» برگ زد به او نگاه کرد و گفت: «این که خنده نداره» سبزینه گفت: «آخه دامن شما

آثار شما

دنایای نقاشی

دوستان گلم شعرهایی که در کنار نقاشی‌های شماست ویژه نقاشی‌های قشنگ شما سروده شده. امیدواریم که خوشتون بیاد. اگه شما هم دوست دارین برای نقاشی‌های قشنگتون شعر گفته بشه لطفا نقاشی‌هاتون رو برای ما تو تلگرام به شماره ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ بفرستین.

ملینا کریمی
۸ ساله

مرتب و تمیزه
این دختر نازنین
هر کی می‌بینه میگه:
ملینا، صد آفرین



مهیا اکبری
۶ ساله

مهیا خانم با کیفیت
خوشحال و شاد و خندان
هر دو تا با همدیگه
هر روز میرن دبستان



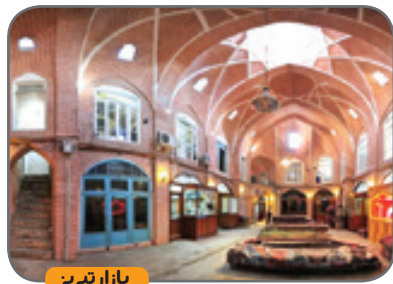
ابوالفضل کاظمی
۹ ساله

مدرسه تعطیل میشه
موقع برف و توفان
جمعه و روز تعطیل
با سه ماه تابستان



مسافر کوچولو

شهر اولین‌ها



بازار تبریز



جنگل ارسباران



کوفته تبریزی

من تبریز هستم. خیلی چیزها برای اولین بار در ایران در من ساخته شده، به همین خاطر به «شهر اولین‌ها» مشهورم. اولین مدرسه نابینایان، اولین مدرسه بچه‌های ناشنوا، اولین چاپخانه، اولین کتابخانه عمومی، اولین سینما، اولین خیابانی که برق داشت و...

من جاهای دیدنی زیادی دارم مانند بازار تبریز و جنگل ارسباران و... بازار تبریز با یک کیلومتر طول، از بزرگ‌ترین بازارهای سرپوشیده دنیاست و معماری خیلی زیبایی داره. جنگل ارسباران هم، جنگل سرسبزه که انواع گیاهان و جانوران در اون وجود دارن.

در میان غذاهای تبریزی کوفته و انواع آش‌ها طرفدارهای بیشتری دارن. صنایع دستی تبریز هم منبت‌کاری، قلم‌زنی و گلیم‌بافی هستن که در کنار آجیل و شیرینی‌های تبریزی می‌تونین برای سوغاتی از بین اون‌ها انتخاب کنین.

شعر

دوست کوچولوی من

شاخکاتو تکون میدی
انگار به من میگی: سلام
مواظیم که له نشی
یه موقع زیر دست و پام

راه میری روی فرشمون
آروم و بی سر و صدا
من تو رو هر روز می‌بینم
کنار سفره غذا

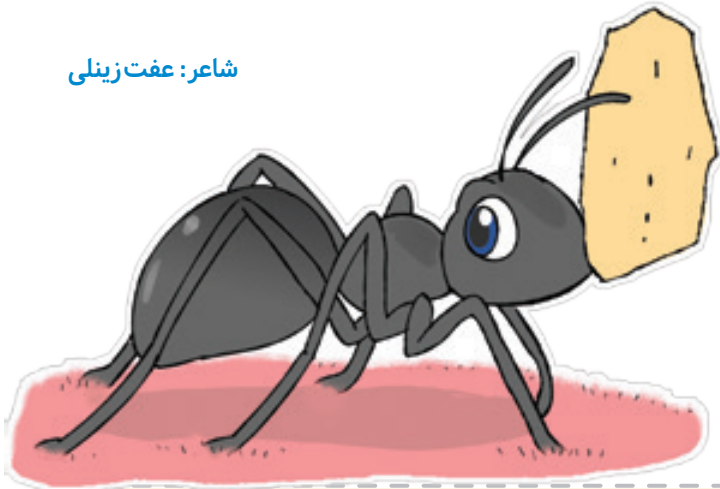
دنبال یه نرمه نون

به هر کجا سر می‌زنی

مورچه سیاه پرتلاش

کوچیک‌ترین دوست منی

شاعر: عفت زینلی



تا دیروز مثل دامن من سبز بود، الان رنگی رنگی شده»

خانم پاییز که ایستاده بود و با مهربانی به آن‌ها نگاه می‌کرد، مداد رنگی‌اش را جلوی سبزینه برد و گفت: «امروز تو هم مثل بقیه، رنگی رنگی و زیبا میشی.» سبزینه خودش را کنار کشید و گفت:

«نه! نه! من می‌خوام سبز بمونم.» خانم پاییز خندید و گفت: «نمیشه. دور و برت رو ببین. الان فصل رنگ‌هاست.» درخت به

سبزینه گفت: «سبزینه، خانم پاییز اومده. همون که برات گفته بودم.»

سبزینه به لباس رنگی خانم پاییز نگاه کرد و گفت: «پس شما خانم پاییز

هستی؟ من خیلی منتظرت بودم.» جلوی قلم‌موی خانم پاییز ایستاد و

گفت: «منم می‌خوام رنگی رنگی بشم. منم رنگ بزن. ولی آروم رنگم بزن.

چون من خیلی قلقلکی‌ام.»

نویسنده: فاطمه رضایی برفوئی



سرگرمی و رنگ آمیزی

بگرد و پیدا کن

نیما و نوید در حال پنهانی بازی هستن. به نظر شما پنهانی به کدوم سمت میره؟
تصویر رو رنگ آمیزی کنین و حواستون باشه اگه پارک میرین به چمن و گل‌ها آسیب نزنین.



تصویر سازی‌ها: سعید مرادی